



تأملاتی در بابِ اعتراف (و دیگر کنش‌های گفتاری) اجباری

ساجد طیبی

پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

خلاصه:

تصدیق یک حکم، درخواست انجام کاری، پرسش از درستی یک حکم، عذرخواهی، تبریک، قول دادن، ازدواج، طلاق، و امثال این‌ها نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری اند، یعنی اعمالی که متکلمان زبان در ادای عباراتِ مختلف زبانی انجام می‌دهند. در بحث از ماهیتِ کنش‌های گفتاری مختلف و آن چه آنها را از هم متمایز می‌کند، اغلب توجه به سیاق‌های محاوره‌ی کم‌وبیش ایده‌آل است که در آنها متکلم و مخاطب به‌اختیار و با حسن ظن و اعتماد به مکالمه می‌پردازند. با این حال، سیاق‌های محاوراتِ واقعی در مواردی بسیار از جهاتی متعدد غیرایده‌آل اند. این غیرایده‌آل بودن از جمله می‌تواند به دلیل اجباری بودنِ ادای عباراتی باشد که کنش‌گفتاری از طریق آن انجام می‌شود. نمونه‌ای بارز از چنین کنش‌هایی در اعتراف‌های اجباری رخ می‌دهد؛ جایی که متکلم با تهدید، فشار فیزیکی و روانی، تکنیک‌های بازجویی و ... واداشته می‌شود چیزهایی بگوید که اگر این شرایط نمی‌بود نمی‌گفت. پرسش‌های اصلی که در این سخنرانی به آن می‌پردازیم این است که اولاً اجباری بودنِ یک کنش گفتاری، همچون اعتراف، به چه معنا است، و ثانیاً اجباری بودنِ آن چه تأثیری در ماهیتِ کنش گفتاری انجام‌شده دارد.

زمان: دوشنبه، ۸ خرداد ۱۴۰۲، ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: میدان شهید باهنر، پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، پژوهشکده فلسفه

تحلیلی، سالن شماره ۱